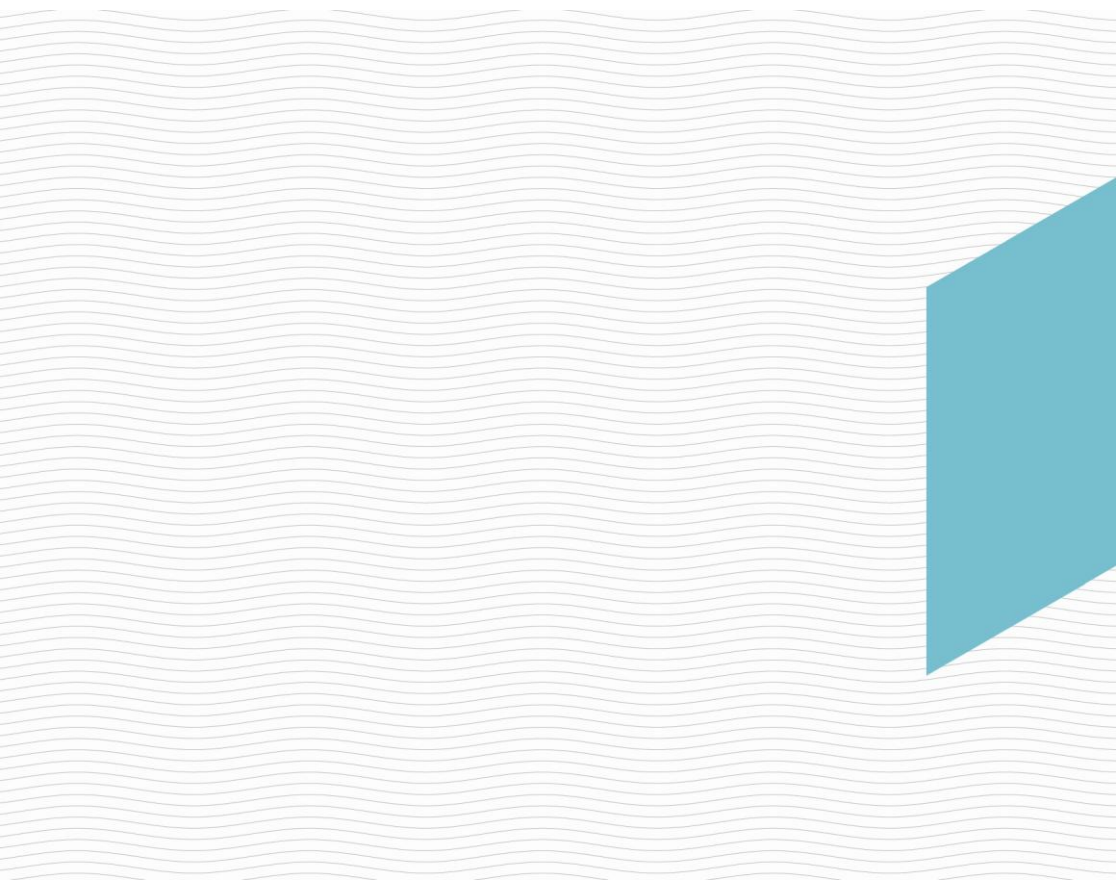


وَقَدْ لَعَلَّوْهُ لَعَلَّوْهُ



سؤال شما، جواب ما مرکز تخصصی نماز

سید محسن هاشمی / ابوالفضل جعفری پور

فهرست

- ۷..... راه‌های ایجاد حضور قلب در نماز چیست؟
- ۱۷..... چرا باید نماز خواند؟ خدا چه احتیاجی به نماز مادر دارد؟
- ۲۷..... چرا باید نماز را به زبان عربی خواند؟
- ۳۱..... برای قضا شدن نشدن نماز صبح و صحرخیزی چه باید کرد؟
- ۳۷..... چگونه فرزندانمان را به نماز دعوت کنیم؟
- ۴۳..... چگونه همسر را به نماز دعوت کنیم؟
- ۴۹..... علت بی‌اعتنائی برخی به نماز و راه‌های درمان آن چیست؟



نمازی که ما را از گناه باز نمی‌دارد، انجام آن چه فایده‌ای دارد؟ ۵۹

چه کنیم تا در نماز خود شک نکنیم؟ ۶۱

خداوند که با همه محرم است ۶۳

فلسفه حضور در نماز جماعت چیست؟ ۶۵

چرا باید رو به قبله نماز خواند؟ ۶۹



راه‌های ایجاد حضور قلب در نماز چیست؟

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های انسان‌های مؤمن و رستگار را خشوع آنان در نماز دانسته و می‌فرماید: "به راستی که مؤمنان پیروز و رستگار شدند، آنان که در نماز خشوع می‌کنند."^۱ خشوع یعنی تواضع، اظهار ادب بندگی، توجه قلبی و حضور انسان در پیشگاه خداوند با تمام وجود. نمازگزار واقعی کسی است که به هنگام نماز چنان غرق در تفکر حضور پروردگار است و به راز و نیاز مشغول، که ذره‌ای از دل خود را برای غیر خدا و امور مادی خالی نمی‌گذارد.

۱. مؤمنون/ آیه ۲۰.



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی را دید که در حال نماز با ریش خود بازی می‌کرد، آن حضرت فرمود: "اگر قلب او خاشع بود، اعضا و اندام او نیز چنین بودند."^۱

اثر بخشی نماز و پذیرش آن، به میزان خشوع و حضور قلب انسان بستگی دارد، همانگونه که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: "با تمام وجود نماز بخوان، چرا که در مقابل آن مقدار از نماز پاداش داده خواهی شد که با حضور قلب انجام می‌دهی."^۲

راهکارهای ده گانه

عوامل مختلفی برای ایجاد حضور قلب در نماز وجود دارد که برخی از آنها را یادآور می‌شویم.

۱. پی بردن به اهمیت نماز

مهم‌ترین عامل مؤثر در پیدایش حضور قلب در نماز، اهمیت دادن به راز و نیاز با خدا و ارتباط با او از راه نماز خواندن است. آثار و برکات و نتایج حاصل از نماز هر چه برای انسان



۱. جامع الاحادیث، ج ۲، ص ۲۵۳، حدیث ۶۷.

۲. بحارالانوار، همان، ص ۲۰۱.



مهم و ضروری جلوه کند، بر عشق و توجه قلبی او خواهد افزود و او را از توجه به غیر خدا باز خواهد داشت.

۲. فهم واژه‌ها

بی توجهی و نداشتن حضور قلب در نماز، گاه از آنجا ناشی می‌شود که نمازگزار با الفاظ عربی آشنا نیست و نمی‌داند چه بر زبان جاری می‌کند؛ الفاظی را از کودکی به او آموخته‌اند و او بدون توجه به معنای آن‌ها فقط طوطی وار تکرار می‌کند. پر واضح است این‌گونه سخن گفتن، نه احساس نیاز به صحبت کردن با خدا را در دل انسان زنده می‌کند و نه ایجاد کننده حضور قلب است.

۳. شرایط و محیط مناسب

حضرت علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: "ای مالک، در برنامه‌ی خود بهترین وقت‌ها را برای نماز و ارتباط با خدا قرار بده."^۱

بسیار اتفاق افتاده است که انسان بی‌حوصله می‌شود و انگیزه و شوق انجام هیچ کاری را ندارد، یا موضوع مهمی فکر و ذهن او را به خود مشغول کرده است و یا مشکلی سر راه او



۱. "واجعل افضل اوقاتك للصلاة..." نهج البلاغه، نامه ۵۳.



قرار گرفته که او را از اندیشیدن به سایر مسائل زندگی باز می‌دارد؛ هر چند در چنین اوضاع و احوالی، شرایط مناسب برای حضور قلب در نماز فراهم نیست؛ اما باید سعی شود در هنگام نماز این فکرها را از ذهن خارج کرده و گره‌گشایی از مشکلات خود را به خداوند واگذاریم و بدانیم در این صورت یا نماز مشکل ما را حل می‌کند و یا توفیق و قدرت صبر بر آن مشکل را به ما می‌دهد.

گاهی نیز ممکن است در اطراف انسان، اشیایی وجود داشته باشد که حواس انسان را از توجه به نماز باز دارد؛ مانند: آئینه، عکس، تلویزیون روشن و... که از نظر اسلام نماز خواندن در مقابل آن‌ها مکروه است.^۱ در چنین محیطی نیز پیدایش حضور قلب برای نمازگزار بسیار مشکل است؛ از این رو برای پیدایش حضور قلب، باید نماز را در شرایط و محیط مناسب به جا آورد.

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود می‌فرماید: "إِتَّخَذَ مَسْجِدًا فِي بَيْتِكَ" در خانه‌ی خود محلی را برای مسجد انتخاب کن.^۲



^۱. برای آگاهی بیشتر به رساله‌ی عملیه‌ی مراجع تقلید خود (قسمت مکروهات نماز) مراجع کنید.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۵.



انتخاب مسجد یا محل مناسب برای مناجات و راز و نیاز با خدا در منزل، در ایجاد حضور قلب بسیار تأثیر دارد. وقتی انسان در چنین مکان‌هایی قرار می‌گیرد فکر و ذهن او خود به خود از چیزهای دیگر جدا شده و یاد خدا جایگزین آن می‌گردد و آمادگی انسان برای نماز گزاردن با حضور قلب بیشتر می‌شود.

۴. تعیین وقت اختصاصی برای نماز

یکی از عوامل موفقیت انسان، برنامه‌ریزی است. هر کاری باید در وقتی مشخص انجام شود تا از هدر رفتن نیروها و سر درگمی جلوگیری شود. نماز که یکی از وظایف ما در شبانه روز است، از این قاعده استثنا نیست و باید برای آن زمان مخصوص تعیین گردد.

۵. یاد نماز و داع

هیچ انسانی نمی‌داند چند سال زنده خواهد بود، و هر روز این احتمال را می‌دهد که شاید فردا زنده نباشد؛ نمازگزاری که با توجه به این نکته نماز می‌خواند و چنین تصویری در ذهن او وجود دارد که شاید این آخرین نمازی باشد که توفیق انجام آن را دارد، بیشترین حضور قلب را نسبت به سایرین خواهد داشت. خواندن نماز در اول وقت، خود تمرین و گام مهم در این راستا به شمار می‌رود.





امام صادق علیه السلام به نمازگزاران توصیه می‌کنند: "هنگامی که می‌خواهی نماز واجب خود را بخوانی، در وقت بخوان و مانند کسی باش که نماز وداع می‌خواند و می‌ترسد که بعد از این توفیق نماز خواندن نصیب او نشود."^۱

۶. انجام مستحبات

انجام مستحبات نماز، چه آن اموری که قبل از آغاز نماز باید انجام شود و مقدمه نماز است؛ مانند اذان، اقامه، پوشیدن لباس سفید، استعمال عطر و بوی خوش و... و چه آن اموری که همراه نماز یا بعد از آن مستحب است انجام گیرد. رعایت این موارد نیز برای تحصیل حضور قلب در نماز بسیار تأثیر دارند.

۷. یاری جستن از خدا

انسان‌های والا مقام و نزدیکان به درگاه پروردگار، در ضمن دعا و مناجات‌های خود، همواره این خواسته را مطرح می‌کرده‌اند که "خدایا ما را لحظه‌ای به خودمان وامگذار و از شیرینی مناجات و ملاقات با خودت محروم مساز."^۲ این درسی است برای ما پیروان و شیعیان آن



^۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۲.

^۲. اشار ه به دعای معروف: "إلهی لا تکلنی إلی نفسی طَرْفَةً عَینِ أَبَدًا".



بزرگواران که دست نیاز به سوی پروردگار مهربان دراز کرده و از او بخواهیم به ما توفیق عنایت کند که با تمام وجود و با حضور قلب به درگاهش شرفیاب شویم.

۸. تمرین

انسانی که در طول یک نماز ممکن است بیش از یک لحظه تمرکز حواس یا حضور قلب نداشته باشد، می‌تواند با تمرین و تداوم، به مرور چنان قدرتی پیدا کند که با تمام وجود به نماز بایستد و در لحظه‌ای از لحظات نمازهای خود چیزی غیر از خدا را در ذهن و قلبش راه ندهد.

۹. پرهیز از غذاهای حرام

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: "كَسَبَ الْحَرَامُ بَيِّنٌ فِي الدَّرَجَةِ؛ درآمد حرام در فرزندان اثر [نامطلوب] می‌گذارد [و هدایت آنها را دچار مشکل می‌کند]"^۱.

خوراکی که انسان تناول می‌کند اگر پلید و حرام باشد، قلب را تیره می‌سازد، در این صورت دیگر از او امید خیری نیست و پند و اندرز در او اثر نمی‌کند و سخت‌ترین مناظر رقت بار نیز او را متأثر نمی‌کند. امام حسین (ع) به لشکریان عمر سعد فرمود: "دلیل اینکه شما



۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۳.



نافرمانی‌ام می‌کنید و به سخن من گوش فرا نمی‌دهید، این است که شکم‌هایتان از حرام پر شده و بر دل‌هایتان مهر خورده که حق را نمی‌پذیرید. وای بر شما! آیا انصاف نمی‌دهید؟ آیا گوش فرا نمی‌دهید؟"^۱

۱۰. پرهیز از گناه

گناه آینه قلب را مکدر ساخته، مانع آن می‌شود که جمال محبوب حقیقی در آن منعکس گردد و با حجابی که به وجود می‌آید، انسان دعاکننده یا نمازگزار، خویش را در محضر او نمی‌بیند؛ به همین دلیل، قبل از هر نماز و دعا باید از گناهان توبه کرد و خود را به خدا سپرد.

مردی از حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) پرسید: "یا امیرالمؤمنین إني قد حرمت الصلاة بالليل! فقال أمير المؤمنين عليه السلام أنت رجلٌ قد قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ": من از نماز شب محروم شدم، حضرت فرمود: تو کسی هستی که گناهان تو مقیدت نموده است، (تو آزاد نیستی و در قید و بند گناهانت هستی).^۲



۱. نفس المهموم، محدث قمی، ترجمه کمرهای، ص ۱۱۰.

۲. کافی، ج ۳، ص ۴۵۰.



امام صادق علیه السلام فرمود: "إِنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ
أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ": کسی که مرتکب گناهی شود، از نماز
شب محروم می‌گردد و به درستی که نفوذ اثر کار ناپسند در انجام دهنده‌ی
آن، از نفوذ چاقو در گوشت سریع‌تر است.^۱



۱. کافی، ج ۲، ص ۲۷۳.

چرا باید نماز خواند؟ خدا چه احتیاجی به نماز ما دارد؟

اگرچه فلسفه نماز و عبادت بر کسی پوشیده نیست؛ اما دقت در متون آیات و روایات اسلامی، ما را به نکات و ظرافت‌های بیشتری رهنمون می‌کند که از جمله این نکته‌ها و ظرافت‌ها، می‌توان موارد زیر را بر شمرد:

یاد خدا

روح و اساس و هدف و نماز همان یاد خدا است که به موسی وحی نمود: "أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي"^۱.



البته ذکرى که مقدمه‌ی فکر و فکری که انگیزه عمل بوده باشد؛ چنانکه در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که در تفسیر جمله‌ی "و لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ" فرمود: "ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَ حَرَّمَ". خدا را به یاد داشتن، هنگام رو به رو شدن با حلال و حرام.^۱

از بین برنده ویروس گناه

نماز وسیله‌ی شست و شوی گناهان و نزول مغفرت و آمرزش الهی است؛ چرا که نماز انسان را دعوت به توبه و اصلاح گذشته و بازبینی در رفتار می‌نماید. در حدیثی پیامبر(ص) از یاران خود سؤال کرد: "اگر بر در خانه یکی از شما نه‌ری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز پنج بار خود را در آن شست و شو دهد، آیا چیزی از آلودگی و کثافت در بدن او می‌ماند؟ عرض کردند: نه! فرمود: نماز درست همانند این آب جاری است، هر زمان که انسان نمازی می‌خواند گناهانی که در میان دو نماز انجام شده است از بین می‌رود"^۲.

و به این ترتیب، جراحاتی که بر روح و جان انسان از گناه می‌نشیند، با مرهم نماز التیام می‌یابد و زنگارهایی که بر قلب می‌نشینند، زدوده می‌شود.



۱. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷ (باب ۲ از ابواب اعداد الفرائض، حدیث ۳).



تقویت نهال تقوا

نماز سدی در برابر گناهان آینده است، چرا که روح ایمان را در انسان تقویت می‌کند و نهال تقوا را در دل پرورش می‌دهد. می‌دانیم "ایمان" و "تقوا" نیرومندترین سد در برابر گناهان است و این همان چیزی است که در آیه‌ی فوق به عنوان نهی از فحشاء و منکر بیان شده است. در روایات می‌خوانیم: "هر گاه از گناه کار بودن نمازخوانی به پیشوایان دین شکایت می‌شد، آنان در جواب می‌فرمودند: غم مخورید، نماز آنها را اصلاح می‌کند" و این چنین نیز می‌شد.^۱

زنگ بیدار باش

بزرگترین مصیبت برای رهروان راه حق آن است که هدف آفرینش خود را فراموش کنند و غرق در زندگی مادی و لذائذ زودگذر دنیا گردند؛ اما نماز به حکم این که در فواصل مختلف و در هر شبانه روز پنج بار انجام می‌شود، زنگ هشدار برای انسان است و هدف آفرینش او را خاطر نشان و موقعیت او را در جهان به او گوشزد می‌کند. این نعمت بزرگی است که انسان وسیله‌ای در اختیار داشته باشد که در هر شبانه روز چند مرتبه به او بیدار

۱. بحارالأنوار، ج ۷۹، ص ۱۹۹.



باش گوید و انسان را همواره هشیار و متذکر نماید که گرد و غبار غفلت بر دل او ننشیند، علاوه بر این که مداومت ذکر خداوند در شب و روز که در پرتو نماز حاصل می‌گردد همین توجه به خداوند و قیام در برابر او انسان را از معاصی باز می‌دارد.^۱ از این روست که گفته اند: نماز، غفلت‌زدا است.

تضعیف زشتی‌ها

نماز خودبینی و تکبر را درهم می‌شکند؛ چون انسان در هر شبانه روز هفده رکعت و در هر رکعت دو بار پیشانی بر خاک در برابر خدا می‌گذارد و خود را ذره‌ای در برابر عظمت او می‌بیند و آگاهانه، به حقارت و ناچیزی خود اعتراف می‌کند؛ به همین دلیل علی‌علیه در آن حدیث معروفی که فلسفه عبادت‌های اسلامی در آن منعکس شده است، بعد از ایمان، نخستین عبادت را که نماز است با همین هدف تبیین می‌کند و می‌فرماید: "قَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبَرِ": خداوند ایمان را برای پاک سازی انسان‌ها از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاک سازی از تکبر.^۲



۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.



همچنین، بازداری از حرص و آز و کم‌طاقتی، از دیگر آثار و برکات نماز است، همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید: "انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده و هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خوبی به او رسد مانع از دیگران می‌شود، مگر نماز گزاران، آنان که نمازها را پیوسته انجام می‌دهند."^۱

پرورش و تکامل فضائل

نماز وسیله پرورش فضائل اخلاق و تکامل معنوی انسان است، چرا که انسان را از جهان محدود ماده و چهار دیوار عالم طبیعت بیرون می‌برد و به ملکوت آسمان‌ها دعوت می‌کند. با فرشتگان هم صدا و همراه می‌سازد و خود را بدون نیاز به هیچ واسطه، در برابر خدا می‌بیند و با او به گفت و گو می‌پردازد. تکرار این عمل در شبانه روز، آن هم با تکیه بر صفات، رحمانیت، رحیمیت و عظمت خدا و با کمک گرفتن از سوره‌های مختلف قرآن، اثر قابل ملاحظه‌ای در پرورش فضائل اخلاقی





انسان دارد. بدین جهت، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) درباره فلسفه نماز فرمودند: "الصلاة قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ". نماز وسیله‌ی تقرب هر پرهیزکاری به خدا است.^۱

دعوت به پاکی

سراسر نماز دعوت به پاک‌سازی زندگی است؛ زیرا مکان نماز گزار، لباس نمازگزار، فرش‌ی که بر آن نماز می‌خواند، آبی که با آن وضو می‌گیرد یا غسل می‌کند و...، باید از هر گونه غضب و تجاوز به حقوق دیگران پاک باشد. با توجه به این شرایط، کسی که آلوده به ظلم، ربا، غضب، کم فروشی، رشوه خواری و کسب از راه حرام باشد، چگونه می‌تواند مقدمات نماز را فراهم سازد؟ بنابر این تکرار نماز در پنج نوبت در شبانه روز، خود دعوتی است به رعایت حقوق دیگران و پاک کردن زندگی از هر آنچه ناپسند خدای متعال است.

تمرین نظم

نماز روح انضباط را در انسان تقویت می‌کند؛ چرا که باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدیم آن، موجب بطلان نماز است



۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶.

شرط قبولی عبادات

نماز به سایر اعمال انسان ارزش و روح می‌دهد و باعث می‌شود بذر سایر اعمال نیک در جان انسان پرورش یابد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در وصایای خود در لحظه‌های آخر عمرشان فرمود: "اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ": خدا را خدا را درباره نماز در نظر داشته باشید، چرا که نماز ستون دین شما است.^۱

می‌دانیم هنگامی که عمود خیمه درهم بشکند یا سقوط کند، هر قدر طناب‌ها و میخ‌های اطراف محکم باشد، اثری در پایداری خیمه ندارد. همچنین هنگامی که ارتباط بندگان با خدا از طریق نماز از میان برود، سایر اعمال، اثر خود را از دست خواهد داد. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: "أَوَّلُ مَا يَحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ": نخستین چیزی که در قیامت از بندگان حساب می‌شود نماز است، اگر مقبول افتاد سائر اعمالشان قبول می‌شود و اگر مردود شد، سائر اعمال نیز مردود می‌شود.^۲



^۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

^۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۰۹.



شاید دلیل این سخن آن باشد که نماز، رمز ارتباط خلق و خالق است که اگر به طور صحیح انجام گردد، قصد قربت و اخلاص که وسیله قبولی سائر اعمال است، در او زنده می‌شود، و گرنه بقیه اعمال او آلوده و از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

دو نکته

نکته اول

باید توجه داشت که نماز علاوه بر شرائط قبول، شرائط کمال نیز دارد که رعایت آنها، عاملی مؤثر برای ترک بسیاری از گناهان است. در کتب فقهی و منابع حدیثی، امور زیادی مانع قبولی نماز ذکر شده است. از جمله این موانع، مسأله شرب خمر است که در روایات آمده است: "لا تقبل صلاه شارب الخمر اربعین يوماً الا ان یتوب". نماز شرابخوار تا چهل روز مقبول نخواهد شد، مگر این که توبه کند.^۱



^۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۳۱۷ و ۳۲۰



از دیگر موانع کمال نماز، ظلم و ستم حاکمان است. در روایات متعددی می‌خوانیم: "از جمله کسانی که نماز آنها قبول نخواهد شد، نماز پیشوای ستمگر است".^۱

همچنین، بی‌اعتنایی و نپرداختن واجبات مالی از قبیل خمس و زکات، خوردن غذای حرام، عجب و خودبینی و... از دیگر موانع قبول نماز است که در روایات بدانها اشاره شده است. پیداست که فراهم کردن این شرائط قبولی، کمال نماز را تا چه حد ارتقا خواهد بخشید.

نکته دوم

نکته دوم این که، همه این‌ها فوائدی است که برای نماز فرادا، با قطع نظر از مسأله جماعت وجود دارد و اگر ویژگی جماعت را بر آن بیفزائیم، برکات بی‌شمار دیگری بر آن افزوده خواهد شد که بیان و تفصیل آن در این کوتاه نوشته نمی‌گنجد.

گفتار خود را در فلسفه و اسرار نماز به حدیث جامعی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام متبرک می‌کنیم؛ آن حضرت در پاسخ نامه‌ای که از فلسفه نماز در آن سؤال شده بود،



۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۳۱۸.



چنین فرمود: "علت تشریع نماز، توجه و اقرار به ربوبیت پروردگار است و مبارزه با شرک و بت‌پرستی و قیام در پیشگاه پروردگار در نهایت خضوع و تواضع و اعتراف به گناهان و تقاضای بخشش از معاصی و نهادن پیشانی بر زمین، همه روزه، برای تعظیم پروردگار".^۱



چرا باید نماز را به زبان عربی خواند؟

لازم است توجه داشته باشید که تنها نماز و لبیک در حج است که باید به عربی بیان شود و گرنه هیچ تکلیف واجب دیگری نیازمند قرائت عربی نیست. قرائت قرآن هم امری مستحب است که فارسی خواندن آن هم ارزشمند و مطلوب است، اگرچه قرائت آیات نورانی برتر و مطلوب‌تر و دارای برکات بیشتری است. اما خواندن نماز به صورت عربی و با همان الفاظ و کلماتی که پیامبر و دیگر مسلمانان صدر اسلام می‌خواندند، دلائل مختلفی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

اول: اصل تعبد

به این معنا که شریعت اسلام، دستور به عربی خواندن نماز داده و با توجه به این که روح عبادت بر تسلیم و تعبد استوار است، انسانی که می‌خواهد خدا را عبادت نماید، باید کاری را انجام دهد که خواست خداوند است. طبق آیات و روایات و سیره پیامبر(ص)، این واجب



و تکلیف دینی، به این شکل واجب شده است و برای انجام فرمان خدا باید همان را انجام داد. باید به این نکته توجه داشته باشیم که در مسائل عبادی، خواست و اراده نقشی ندارد، بلکه باید آنها را طبق دستور شرع انجام دهیم تا مقصود و هدف و مصالحی که شارع خداوند در نظر دارد و چه بسا ما از آن بی‌خبریم، حاصل گردد. همانگونه که در اصل نماز تعبد و تسلیم وجود دارد، در اجزا و شرایط مختلف و از جمله عربی خواندن، این نکته مهم نهفته است.

امیرمؤمنان علیه السلام در روایتی پس از بیان این‌که معنای اسلام، تسلیم شدن در مقابل پروردگار است و علامت این تسلیم بودن در عمل آشکار می‌شود، می‌فرماید: "مؤمن، بنای دین خود را بر اساس رأی و نظر شخصی نمی‌گذارد، بلکه بر آنچه از پروردگارش رسیده بنیان می‌نهد".^۱

دوم: زبان مشترک مسلمانان

این امر به جهت ایجاد زبانی مشترک میان همه پیروان اسلام و در واقع فراهم سازی وحدت و پیوند بین المللی دینی است.



۱. بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۳۰۹.

سوم: نبود معادل واژه ها

کلماتی که در نماز است، به صورت دقیق در هیچ زبانی ترجمه ندارد؛ یعنی نمی‌توان همان مفاهیمی که در اذکار نماز است، به صورت دقیق ترجمه کرد و آن را بیان نمود. چه بسا برخی از کلمات یا جملات معانی بسیاری در خود جای داده که با یک یا چند جمله نتوان همه آنها را بیان نمود.^۱

برای مثال از سوره حمد نام می‌بریم، هیچ ترجمه‌ای که بتواند تمام مفاهیم آن را به زبان دیگر بیان کند، نیست. حتی تنها، کلمه "الله"، هیچ معادلی در زبان‌های دیگر ندارد و تنها می‌توان ترجمه آن را در قالب یک جمله بیان کرد. در مثال مذکور، کلمه "خدا" در زبان فارسی، تنها معادل فارسی آن است نه معنی کلمه "الله".

از طرف دیگر، تجربه زندگی انسان‌ها روشن‌گر این حقیقت تلخ است که آنجا که دست‌های انسانی در کارهای مختلف دخالت کرده است، آن را به صورت‌های مختلف در آورده که گاهی با اصل و حقیقت خود فاصله بسیار دارد. به عنوان مثال، در ادیان امروزی، مفاهیم



^۱. استاد محمدتقی مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، ص ۱۰۲ - ۹۲، با تلخیص، مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰ ه. ش.



عبادی چنان مورد دستبرد و تحریف قرار گرفته که روح عبادت کمرنگ شده و دیگر رغبت چندانی به انجام آن برای پیروانش باقی نمانده است، به همین علت آن ارتباط دائمی و همیشگی که مسلمانان با خدا دارند را، در ادیان دیگر مشاهده نمی‌کنیم.

یادآوری

اگرچه با توجه به دلایلی که اشاره شد، نماز باید به زبان عربی خوانده شود؛ اما این بدان معنی نیست که انسان نتواند به هیچ زبان دیگری با خداوند سخن بگوید. چنانچه در قنوت نماز که قسمت خواستن حاجت‌ها است، به فتوای اکثر مراجع، انسان می‌تواند به فارسی یا هر زبان دیگر سخن بگوید.^۱ همچنین، درب خانه خداوند مهربان برای گفت و گو و مناجات با خودش، هیچگاه به روی بندگان بسته نیست و انسان هر لحظه و ساعتی که اراده نماید، می‌تواند با زبان دلخواه خویش با او به راز و نیاز بپردازد و -چنانچه اشاره شد- تنها در برخی امور مانند نماز است که بنابر مصالح کلی، باید به زبان عربی خوانده شود.



۱. توضیح المسائل سیزده مرجع، مسأله ۱۱۳۵.

برای قضا شدن نشدن نماز صبح و صحر خیزی چه باید کرد؟

برای حل این مشکل، باید به سراغ ریشه و اساس این مسئله توجه ویژه مبذول داشت. در یک نگاه کلی، عوامل سلب توفیق از نماز صبح و همچنین نماز شب به دو گروه عمده دسته بندی می‌شود:

الف: عوامل مادی

که برخی از این عوامل شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱. نبود برنامه ریزی و نظم در زندگی

از مهمترین عوامل مادی که مانع از توفیق درک نماز صبح می‌گردد، فقدان برنامه‌ریزی و نظم در زندگی است. فقدان برنامه‌ای منظم برای خواب و یا ایجاد مشغله‌های پراکنده و فراتر از توانایی‌های خود، نتیجه‌ای جز ایجاد خستگی مفرط و قضای شدن نماز در بر نخواهد داشت.



۲. پر خوری در شب

علت دیگر، خواب طولانی و سنگین ناشی از پر خوری در شب می‌باشد. حضرت عیسی (ع) خطاب به بنی اسرائیل فرمود: "ای بنی اسرائیل! خوردن خود را زیاد نکنید، زیرا هر کس بر خوردن خود بیفزاید، بر خوابیدن خود هم می‌افزاید و هر کس که بر خواب خود بیفزاید، از نماز کم می‌گذارد [و در نتیجه] در زمره غافلان نوشته می‌شود".^۱

۳. کسلی و تنبلی افراد

برخی وقت‌ها بیدار نشدن برای نماز، ربطی به مسائل حاشیه ای ندارد و خود فرد ذاتاً فردی تنبل و بی حال است که برای امور عادی زندگی نیز کم می‌گذارد، حال چنین شخصی برای مسائل معنوی روشن تر است؛ زیرا به فرموده امام علی (علیه السلام): "مَنْ كَسَلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلَ": کسی که در کار دنیا تنبل باشد، در کار آخرتش تنبل تر است.^۲



۱. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۴۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷.

۴. غرق شدن در مسائل مادی و دنیوی

حضرت عیسیٰ علیه السلام نقش دنیازدگی را در بی‌حوصلگی افراد نسبت به عبادات این چنین ترسیم می‌نماید: "همچنان که بیمار بر غذای لذیذ نگاه می‌کند و به دلیل شدت درد، لذت آن را نمی‌چشد، فرد دنیا طلب نیز همراه با عشق به مال، نه لذتی از عبادت می‌برد و نه شیرینی و حلاوتش را می‌چشد".^۱

۵. خوردن غذاهای نامناسب در شب

برخی از غذاها به گونه‌ای هستند که باعث سستی اعصاب و بدن می‌شوند؛ لذا اگر شب‌ها از ماست، دوغ و مانند آن استفاده شود، خواب بر انسان چیره می‌شود. هم چنین، خوردن غذاهای چرب و سنگین موجب سنگینی خواب شده، بیدار شدن را برای انسان دچار مشکل می‌سازد.



۱. تحف العقول، ص ۴۸۳.

۱. ضعف در خداشناسی

از مهمترین عوامل معنوی که موجب می شود انسان برای ادای فریضه صبح به سختی از خواب بیدار گردد، عدم معرفت و شناخت نسبت به خداوند متعال و الطاف وی است. به راستی اگر شما با یکی از مسئولین که حل مشکل تان در دست اوست، قراری گذاشته اید و یقین دارید که وی در همان ساعت مقرر منتظر شما است، آیا واقعاً شب به راحتی می خوابید و دیر بر سر قرار حاضر شده و یا با کسالت با وی مواجه می شوید؟ اگر انسان نسبت به الطاف الهی کمترین معرفتی داشته باشد و بداند که کسی که قرار است به هنگام نماز با وی صحبت کند، همانی است که ما را از نیستی به دنیا آورده و تمامی نعمت های خود را بر ما ارزانی داشته، تا به نهایت کمال و درجات بالای بهشتی دست پیدا کند، همانی که اختیار کمی و زیادی روزی ما را دارد، همانی است که مرگ و زندگی ما در ید قدرت اوست و... با این حال، آیا نسبت به نماز با بی حالی برخورد خواهیم کرد و یا آنکه سر از پا نشناخته، عاشقانه و با تمام وجود به اقامه نماز خواهیم پرداخت.



۲. گناه

اعمال و رفتاری که انسان در طول روز انجام می‌دهد، نقش بسیار مهمی در توفیق انسان نسبت به عبادات دارد. هر چه در شبانه روز کارهای شایسته از انسان سر بزند، توفیقات انسان نیز برای اعمال خوب دیگر بیشتر فراهم می‌شود و هرچه به گناه آلوده شود، توفیق اعمال خوب از وی سلب می‌گردد، لذا باید نسبت به این مسأله بسیار حساس بود تا به واسطه گناه، درک لذت سحرخیزی را از دست نداد.

۳. ضعف اراده

سحرخیزی اراده و عزم می‌خواهد، دوست داشتن تنها کافی نیست. باید با تصمیم جدی خوابید. ضعف اراده از مهم‌ترین عوامل محروم ماندن از سحرخیزی می‌باشد. باید با این ضعف و سستی اراده مبارزه کرد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: "ضادُوا التَّوَانِي بِالْعَزْمِ"؛ به وسیله عزم، با سستی مبارزه کنید.^۱

وضو گرفتن، خواندن سوره‌های توحید و معوذتین، ذکر صلوات و تسبیحات اربعه و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام، قرائت آیه الکرسی، به ویژه خواندن آیه‌ی آخر سوره‌ی کهف و نیز

^۱. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۲۷.



توسل به امام زمان (عج) برای محروم نماندن از فیض نماز اول وقت و... از جمله اموری
است که خواب مؤمن را همراه با هدف و انگیزه می‌کند و این توجه و هدفمندی در بیداری
صبح تأثیرگذار خواهد بود.



چگونه فرزندانمان را به نماز دعوت کنیم؟

سخن پیرامون روش‌های مؤثر در جذب کودک به آموزه‌های دینی فراوان و نیازمند نوشتاری مستقل است، ولی با توجه به اهمیت این موضوع، به چند روش کاربردی که به کارگیری آنها می‌تواند اثرات مثبتی در نهادینه نمودن نماز در فرزندان داشته باشد، به صورت مختصر اشاره می‌کنیم.

روش الگو دهی

از جمله روش‌های مؤثر و مطرح در روانشناسی رشد، روش الگوپذیری است. اگر والدین قبل از این که بخواهند کودک را با آداب اسلامی آشنا کنند، خود پایبند به اخلاق نبوی و اسلامی باشند و بدانچه می‌گویند عمل کنند، کودک نیز بر اساس روحیه تقلیدپذیری، آن را به جا خواهد آورد؛ زیرا در سنین ۱ تا ۷ سال، کودک به شدت تقلیدپذیر است و بدون



دانستن فلسفه کار، صرفاً آن را تکرار می‌کند. البته این روش الگویی حتی نسبت به افراد بزرگسال نیز تأثیرگذار است.

فضاسازی معنوی

فرزندى که در خانواده‌ای لبریز از یاد و محبت خدا به دنیا می‌آید، نیازی ندارد که آموزشی ویژه برای قبول نماز ببیند، زیرا از همان آغاز تولد، در گوشش اذان و اقامه می‌گویند و او را به "صلاة" و "فلاح" و "خير العمل" دعوت می‌کنند. در خانه‌ای که والدین به مناجات شبانه بر می‌خیزند و اهل خانه همگی معتقد و مقید به آداب دینی هستند، کمتر پیش می‌آید فرزندشان گریزان و روی گردان از خدا باشد.

پاسخ به کنجکاوای های کودک

کنجکاوای کودک، ویژگی طبیعی اوست که پاسخ به آن ضمن ایجاد آرامش روحی و روانی در کودک، فرصت مناسبی را برای والدین به وجود می‌آورد تا رفتارهای مناسب و مطلوب را در او پرورش دهند. بر این اساس، وقتی که فرزندان از ما در مورد مسائل اعتقادی و نماز می‌پرسند، فرصت مناسبی برای ما به وجود آورده‌اند تا بتوانیم با ارائه پاسخ‌های مناسب و یا طرح سؤالات مؤثر، در او اثر تربیتی بگذاریم.



آموزش تدریجی در حد توان

پدر و مادر باید باور داشته باشند که همان گونه که در تأمین نیازهای مادی کودک مسؤلیت دارند، در قبال تأمین نیازهای معنوی نیز موظف هستند. امام باقر علیه السلام در گفتاری حکیمانه، مراحل تربیت معنوی فرزندان را شرح داده و چگونگی تربیت آنان را در سنین مختلف بیان می‌دارد؛ طبق رهنمود آن حضرت، والدین باید در سه سالگی کلمه توحید "لا اله الا الله" را به کودک یاد دهند، در چهار سالگی کلمه رسالت "محمد رسول الله" را به او بیاموزند و در پایان پنج سالگی او را آزمایش کنند، اگر راست و چپ را می‌شناسد، صورتش را به سوی قبله متوجه ساخته و به او بگویند رو به سوی قبله سجده کند، در شش سالگی اجزاء نماز، رکوع و سجده صحیح را یادش دهند تا سن او به آخر سال هفتم برسد، در آن موقع به او بگویند دست‌ها و صورتش را بشوید و آنگاه به نماز بایستد.^۱

حضور در مجامع و محافل نماز

مشاهدات انسان، یکی از عوامل مؤثر در تربیت اوست. قرآن کریم در آیات متعدد، انسان‌ها را به "دیدن" و "اندیشیدن" دعوت می‌کند، زیرا بین "دیدن" و "باور کردن" رابطه



^۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۱.



مستقیم وجود دارد؛ از این رو باید کاری کنیم که فرزند ما با صحنه‌های گوناگون اقامه نماز و آماده شدن برای اقامه نماز مواجه شود. در این راستا، همراهی فرزندان با والدین در نمازهای جماعت مسجد محله، می‌تواند نقش مؤثری در تقویت روحیه نماز خواندن فرزندان ایفا نماید.

زیبا سازی نماز

انسان زیبایی را دوست دارد و به دنبال زیبایی‌ها می‌رود. این ویژگی را خداوند در وجود آدمی قرار داده است، به خصوص کودک و نوجوان که بیش از بزرگسالان زیبایی‌ها را می‌بیند و دوست دارد. با هدیه دادن یک سجاده زیبا و چادر نمازی قشنگ برای دختران، و جانماز و لباس زیبا برای پسران، می‌توان رغبت آنها به نماز خواندن و حضور در جمع نمازگزاران را فزونی بخشید. به هر میزان که والدین بتوانند زیبایی‌ها را با نماز خواندن پیوند بزنند، به همان اندازه موفق‌تر خواهند بود.



تشویق

همان گونه که قرآن انسان‌ها را به انجام اعمال پسندیده ترغیب می‌کند و از ارتکاب اعمال زشت به شدت بر حذر می‌دارد، سخنان پدر، مادر و مربی نیز باید این گونه باشد. جای جای قرآن کریم وعده به بهشت است که نمونه‌ای بارز برای تشویق به عبادت است. پدر و مادر نیز با روش‌های مختلف و برآورده ساختن نیازهای فرزند، همچون اسباب بازی، رفتن



به سینما، پارک و ...، می‌توانند او را به نماز تشویق کنند. البته این تشویق نباید به گونه‌ای باشد که روحیه تبعّد در فرزند کم رنگ شود و نماز را فقط برای رسیدن به هدیه بخواند. از جمله راه‌کارها این است که با او شرط خرید هدیه‌ای نکنیم؛ بلکه برخی اوقات، بعد از نماز یا انجام کار درست، او را با دادن هدیه‌ای تشویق کنیم.



چگونه همسر م را به نماز دعوت کنیم؟

در این زمینه، چند راهکار عملی قابل ارائه است.

۱. اصلاح و تقویت مبانی اعتقادی

برای ترغیب و تشویق به نماز، در آغاز بایستی زیر بناهای فکری همسران را مورد بررسی قرار داده — البته با در نظر قرار دادن روحیه مخاطب و توان روحی و علمی خودتان — در اصلاح آن بکوشید؛ زیرا دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان و معاد، دارای نتیجه مستقیم بر عملکرد فرد است؛ از این رو، دادن اطلاعات و تصحیح اندیشه فرد درباره نماز ضروری است، تا به کمک نیروی درونی و انگیزه شخصی در پی آن باشند و نیازمند تحریک خارجی و وادار کردن نباشند. بنابراین، در گام اول باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید.



۲. بازخوانی و شناساندن فلسفه نماز

نماز، عملی است که در مجموعه عقیده توحیدی، دارای معنا و فلسفه است. انسان طبق فطرتش همواره به چیزی که برایش اهمیت دارد، توجه و اهتمام می‌ورزد. یکی از دلائل مهم اهمال در به جا آوردن نماز، عدم شناخت فلسفه نماز است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

"الناسُ أعداءُ مَا جَهِلُوا": انسان دشمن چیزی است که نسبت به آن آگاهی ندارد.^۱ از این رو لازم است با استفاده از آیات و روایات ایشان را با فلسفه نماز آشنا سازید که که قبلاً بیان شد. همچنین می‌توانید با مراعات سن و قدرت بینشی و علمی همسران، با در اختیار قرار دادن کتاب‌های نوشته شده پیرامون نماز، امکان مطالعه و تعمق را فراهم سازید.

برخی از این کتاب‌ها عبارتند از: از ژرفای نماز، حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای، پرتوی از اسرار نماز، استاد قرائتی، اسرار الصلاة، مرحوم ملکی تبریزی، آداب الصلاة، امام خمینی (ره)، صلاة الخاشعين، شهید دستغیب، اسرار الصلاة، علامه جوادی آملی و...



^۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۱۶۳.

۳. مشوق اختصاصی

زن و شوهر می‌توانند نقش‌آفرینی حیاتی گسترده‌ای بر یکدیگر داشته باشند. البته کیفیت و میزان اثرگذاری و اثرپذیری‌ها بسیار متفاوت است. آنچه در این جا دارای اهمیت است، داشتن درک روان‌شناختی ژرف و درستی از طرف مقابل است. هر شخصی یک نقطه پذیرش و به قول معروف، رگ خوابی دارد. سعی کنید این رگ خواب و نقطه پذیرش را به دست آورید. از این کانال وارد شوید و هدف خود را تعقیب کنید. به صرف این که باید شخصی را هدایت کرد بسنده نکنید، بلکه با دقت در خصوصیات وی، راه نفوذ در او و جلب نظر او را به دست آورید و اقدام کنید.

۴. استفاده از ظرفیت محبت

باید راه‌های نفوذ و تأثیرگذاری بر همسر خود را به صورت دقیق بشناسید و متناسب با آن برنامه‌ریزی کنید. بدون داشتن چنین درکی، چه بسا بسیاری از زحمات شما بی‌نتیجه یا کم‌ثمر خواهد شد. اگر همسر شما منطق‌پذیر است، باید با زبانی بسیار منطقی و مستدل او را قانع سازید. اگر فردی نصیحت و اندازپذیر است، باید بیشتر بر جنبه‌های عقوبتی ترک نماز و روایات و حکایات وارده در این مورد با او سخن گویند. اگر احساس می‌کنید با محبت بیش‌تر می‌توانید او را به سوی خدا بکشانید، باید از همین طریق وارد شوید. اگر راه‌های دیگری بر او مؤثر است تا جایی که اثر منفی نداشته باشد، از آن راه‌ها استفاده کنید.





۵. استفاده از روش انذار

بیان تأثیرات منفی ترک نماز و روزه که استفاده از روایات بیان شده توسط اهل بیت(ع) در این زمینه بسیار مؤثر است، به خصوص اگر به روش غیرمستقیم ارائه گردد و موجب تنبه و موعظه کردن شود؛ یعنی غیر از ارائه شناخت، باید در صدد موعظه‌گری و تنبّه قلبی وی نیز برآید و با ترس و بیم دادن از عذاب اخروی و پیامدهای منفی ترک نماز و روزه، دل او را از غفلت آزاد سازیم.

۶. پرورش عواطف دینی

به موازات آموزش تعلیم دینی، لازم است عواطف دینی را پرورش دهید. شرکت در مراسم مذهبی از قبیل نماز جماعت مسجد، نماز جمعه، مراسم اعیاد مذهبی و مراسم سوگواری در ماه محرم و جلسات دینی در پرورش عواطف دینی ایشان بسیار مؤثر است. حضور در این قبیل برنامه‌ها پیوند قلبی را با دین و معنویات افزایش می‌دهد و زمینه را برای شکوفایی ایمان فراهم می‌سازد.

برقراری ارتباط با دوستان نماز خوان؛ گروه‌های همسال و دوستان در بازسازی شخصیت افراد نقش حیاتی دارند. بر این اساس برای تشویق همسرتان، از دوستان ایشان استمداد بجویید. اگر دوست شایسته‌ای ندارد، زمینه ارتباط با دوستان نماز خوان و مؤمن را فراهم نمایید.



۷. تشویق

برای برانگیختگی و بازدارنگی، تشویق نقش اساسی دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: "ضادّوا الشّرّ بِالْحَبَرِ"؛ به وسیله خوبی با بدی بستیزید.^۱ در مراحل نخست نمی‌توان توقع داشت همه افراد با انگیزه عالی به نماز و انجام تکالیف بپردازند. غالب مردم به چنان مرحله‌ای از کمال نرسیده‌اند که به تحسین و ستایش محتاج نباشند، از این رو لازم است همسرتان را با تشویق گفتاری یا عملی به نماز خواندن فراخوانید.

۸. یاری جستن از خدا

حالات انسان متفاوت است. بسیار شده که ما نسبت به کسی مأیوس می‌شویم، ولی برخلاف تصور ما، شرایطی فراهم می‌شود و آن فرد متحوّل می‌گردد. تجربه و تاریخ شواهد زیادی را نشان می‌دهد که به طور غیر منتظره کسی دگرگون گشته و سرنوشت دیگری پیدا کرده است.

در عین حال اگر آثار مثبت چندانی مشاهده نکردید، نگران تأثیرپذیری از ایشان نباشید، البته با جدیت تمام از ایمان و عمل صالح خود به دقت مواظبت نموده و فروگذار نکنید،

^۱. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۶.





همواره از خداوند حفظ ایمان و دیانت خود را طلب نمایید؛ چه بسا در طول زمان بقای ایمان شما، اثر سازنده‌ای در ایشان ایجاد کند. از طرف دیگر سرمایه گذاری جدی روی فرزندان خود نمایید. در موارد بسیاری دیده شده، ایمان و اعمال فرزندان بر والدین تأثیر گذاشته و موجب هدایت آنان شده است.

چند نکته



- ✓ در هیچ یک از مراحل ارشاد و راهنمایی از برخورد نیک و ملاحظت آمیز و احترام نهادن دور نشوید. با فشار و اجبار کسی را نمی‌توان هدایت نمود. چه بسا تأثیر منفی آن، بیشتر از هدایت گردد.
- ✓ تبلیغ عملی داشته باشید؛ یعنی باید ضمن جدی گرفتن نماز در محیط خانه، باید آثار خواندن نماز، مانند دوری از گناهان، داشتن اخلاق نیکو، کمک به دوستان، وفاداری، فداکاری، پاکیزه بودن در ظاهر و باطن و... در رفتار و کردار و گفتار نمایان باشد. بهترین روش تبلیغ از یک عمل خیر دینی، تبلیغ عملی است.
- ✓ جدی گرفتن نماز در محیط خانه: اگر انجام وظایف دینی از جمله نماز خواندن را جدی بگیرید، در همسران تأثیر می‌گذارد.
- ✓ تمام راه کارهای گفته شده، هم به صورت مستقل و هم به همراه یکدیگر می‌تواند مؤثر باشد.

علت بی‌اعتنایی برخی به نماز و راه‌های درمان آن چیست؟

شناخت و تشخیص مشکل، اولین و مهمترین مرحله حل مشکل و گره‌گشایی از آن است که در پرتو آن می‌توان درمان صحیح ارائه کرد. برای بی‌اعتنایی به نماز نیز ابتدا شناخت علت و سپس ارائه درمان مناسب می‌تواند کمک شایانی به حل این مشکل ایفا نماید که به صورت مختصر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. عدم آشنایی به فلسفه نماز

اهمیت ندادن به نماز، به لحاظ عدم آشنایی به حقیقت آن و احساس نیاز نکردن نسبت به آن، خود از عوامل ترک نماز به شمار می‌رود.



درمان

آشنایی و ترویج فلسفه و حقیقت نماز و این که نماز جزء نیازهای زندگی ماست. توجه به این که فایده و آثار نماز در دنیا و آخرت تجلی می‌کند و به واسطه آن، آرامش و تعادل روانی پیدا می‌شود. چنانچه بهترین درمان افسردگی و اضطراب، نماز است.

۲. احساس تحجر و عقب ماندگی

برخی فکر می‌کنند نه تنها مذهب از زندگی جداست؛ بلکه دین عامل عقب افتادگی است. چنین اشخاصی بر این باورند که افراد مذهبی و نمازخوان، از واقعیت‌ها و لذات زندگی و از علم و پیشرفت و یا با زمان همراه بودن، به دور هستند. تصور می‌کنند آنها انسان‌هایی خشک و بی سواد و عقب افتاده‌اند و افراد مخالف آنها، انسان‌هایی منطقی، پیشرفته و با سوادند. اینان برای توجیه خود مثال‌هایی از عقب افتادگی کشورهای اسلامی و برخی افراد مذهبی می‌آورند.



درمان

فهمیدن یا فهماندن این معنا که دین نه تنها با علم و پیشرفت زندگی کردن مخالف نیست؛ بلکه چگونگی پویایی و موفقیت را نیز نشان می‌دهد و اینکه عبادت، برای بهتر زندگی کردن است و بهتر لذت بردن از زندگی، درمان بیماری‌های روانی و به طور کلی



برای به تکامل رسیدن انسان است. ضمن این که مسلمانان و کشورهای مسلمان موفق و پیشرفته کم نیستند که ایران عزیز اسلامی نمونه بارز آن است.

۳. تن پروری و تنبلی

اساساً افراد تنبل و تن پرور، اراده قوی نسبت به انجام امور معنوی ندارند و در مسیر زندگی خود با مشکل رو به رو هستند. اینگونه افراد دارای روح کوچک هستند و همواره در بند خواسته‌های تن می باشند.

درمان

ترک پرخواهی و پرخوری که باعث کسالت و ضعیف شدن اراده شده و اشتیاقی برای عبادت نمی‌ماند. برای ترک این عادت از خدای متعال استعانت بجوئیم و از ورزش و نرمش برای رفع کسالت استفاده کنیم. از شهوترانی و بزهکاری دوری کنیم؛ زیرا افراد شهوتران، دارای اراده‌ای ضعیف هستند و از آن جایی که پرستش و عبادت، خواسته و نیاز روح آدمی است، لذا آدم شهوتران به دلیل اسیر و گرفتار جسم بودن، نمی‌تواند به خواسته‌های روح پاسخ مثبت دهد.





۴. سهل انگاری

یکی از اسباب ترک نماز، سهل انگاری و مسامحه کاری است. منشأ این عامل، چیزی جز تنبلی و بی حالی نیست؛ زیرا مشاهده می‌شود که انسان با اینکه در بهترین وضعیت روحی و جسمی به سر می‌برد، ولی باز نسبت به امور معنوی مخصوصاً نماز بی توجه است، به راحتی آن را ترک می‌کند و احساس نمی‌کند که عمل مهمی را ترک کرده است.

درمان

از علل اصلی بی توجهی و سهل انگاری در نماز، اهمیت ندادن به عبادت و در حقیقت، مهم جلوه نکردن نماز برای آدمی است. برای رفع سهل انگاری، باید به نماز اهمیت داد و آفات ترک آن را شناخت و دانست که عذاب خدا برای سهل انگاران دردناک و عظیم است.

۵. احساس خجالت و خودنمایی

بعضی می‌گویند: خجالت می‌کشیم، چون تا به حال نماز نخواندیم و اگر اکنون بخوانیم، شاید مورد طعن و مسخره پدر و مادر و دوستان قرار بگیریم. برخی دیگر با خواندن نماز، احساس می‌کنند که در زمره ریاکاران قرار گرفته‌اند.



درمان

اگرچه هر مسلمانی بر اساس وظیفه دینی خود موظف است افراد نمازخوان را مورد تشویق قرار دهند، ولی باید دانست که همواره گام برداشتن در مسیر صحیح و پیمودن راه رستگاری، موافقان و مخالفان خود را داشته و خواهد داشت. همانگونه که قرآن کریم نیز گویای این حقیقت است.^۱ آنچه به نظر مهم و کارگشا می‌رسد، اهمیت ندادن به رفتار و گفتار دیگران، با تکیه بر احساس انجام وظیفه شرعی و به دست آوردن رضایت و محبت الهی است.

۶. ارتکاب گناه و احساس بی فایده بودن نماز

در این حالت، شخص گناهکار با خود می‌گوید: حالا که من گناهکارم پس برای چه نماز بخوانم؟ نماز چه فایده‌ای به حال من دارد؟ از این رو، در دو راهی ترک گناه یا ترک نماز حیران می‌ماند و از آنجایی که با گناه مأنوس شده است، ترک نماز را می‌پذیرد.



۱. به عنوان نمونه، نگاه کنید: سوره بقره، آیات ۱۵۱ و ۱۵۲، سوره حجر، آیات ۹۷-۹۹. سوره طه، آیه ۱۳۰.



درمان

ارتکاب معصیت، اگرچه حرام و مانع تحصیل حضور قلب است، ولی موجب بطلان نماز نمی‌گردد و مشکل گناهکار نیز نه تنها با ترک نماز حل نمی‌شود، بلکه گرفتاری او دوچندان می‌گردد. بنابراین نباید انسان به صرف انجام معصیت از خود ناامید شود و نماز را ترک نماید؛ بلکه باید به موازات توجه به معنویات، به ترک گناهان بپردازد و به هیچ بهانه‌ای نماز را ترک نگوید و نیز بداند که هر قدر هم گناهکار باشد، راه برگشت برای او وجود دارد.



۷. خانواده

از عوامل مهم در سازندگی و شکوفایی یا تخریب شخصیت انسان، خانواده و محیط زندگی است. بیشترین همانندسازی و الگوبرداری از اهل خانواده، به خصوص پدر و مادر اتفاق می‌افتد. از دلایل بی توجهی به نماز، نبودن الگوی نمازگزار در منزل و جو فاسد محیط خانه است.

درمان

اگرچه بر مبنای آموزه‌های دینی، انسان به هیچ بهانه‌ای حق بی احترامی به والدین خود را ندارد، ولی این نکته را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که از نگاه قرآن کریم، حد و مرز احترام به والدین تا آن‌جاست که باعث شکستن حریم الهی و ارتکاب گناه نباشد.^۱ ولی هنگامی که امر دایر بر مخالفت امر الهی یا خواست والدین باشد، قطعاً باید حرف خداوند را مقدم داشت و انسان موظف است واجبات دینی خود را انجام دهد، ضمن این‌که می‌توان با کمک گرفتن از منطق علمی و محبت و عاطفه خانوادگی، مسیر نمازگزاری اعضای خانواده را هموار نمود.

۸. محیط و اجتماع فاسد

از دیگر دلایل ترک نماز، قرار گرفتن در محیط نامساعد و فاسد است. در اجتماعی که معنویت و روح نماز حاکم باشد، توجه به معنویات مخصوصاً نماز، بیشتر خواهد بود.



۱. "وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَسَنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا". سوره عنکبوت، آیه ۸.



درمان

برای درمان این مشکل، حداقل دو راه وجود دارد. یک راه شخصی که همان تغییر محیط نامناسب زندگی و هجرت به محیط‌های سالم برای ارتباط و زندگی است.^۱ راه دوم نیز بر عهده مسؤولان جامعه است که باید درصدد اصلاح محیط و جامعه برآیند و زمینه‌های فساد را از بین ببرند و به جای آن، فضای جامعه را از معنویات پر نمایند.

۹. دوست فاسد

یکی از عوامل ترک نماز، همنشینی و همراهی با بی‌نماز است. از پیامبر نقل شده است: دین انسان بستگی به دین دوستش دارد.^۲ قطعاً ساختار شخصیتی و معنوی ما با دوستان‌مان گره خورده است و نمی‌توان تأثیر پذیری از آنان را انکار نمود.



۱. "إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَالَمِ أَنْفُسُهُمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا". همانا کسانی که فرشتگان، جانشان را زمین مستضعف و بیچاره بودیم (و به ناچار در جبهه‌ی کافران قرار داشتیم)، فرشتگان (در پاسخ) گویند: مگر زمین خداوند گسترده نبود تا در آن هجرت کنید؟ آنان، جایگاهشان دوزخ است و بد سرانجامی است. سوره نساء، آیه ۹۷.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۷۶.



درمان

قطع رابطه با دوست فاسد و بی‌نماز که راه‌های متعدد دعوت او به دینداری و نمازگزاری بی‌پاسخ مانده است و در مقابل همنشینی با انسان‌های پاک و نمازگزار و اهل علم و پایبند به مبانی دینی.

۱۰. برخورد های نامناسب افراد مذهبی

تأثیر رفتارهای مبلغان مذهبی و به طور کلی متدینان در انسان‌های دیگر، حتمی است. مسلماً آن کسی که جوانان و نوجوانان را دعوت به پاکی و عبادت می‌کند، باید اول خودش عامل به گفته‌هایش باشد. در غیر این صورت، آثار منفی تربیتی فراوانی بر افراد جامعه خواهد داشت.

درمان

افراد مذهبی این واقعیت را بپذیرند که هر نوع رفتار و کردار آنها در رفتار، ایمان و معنویات مردم، تأثیر خواهد گذاشت. رهبران دینی باید در اعمال روش‌های تربیتی همانند اسوه عالم امکان، حضرت محمد(ص) اعتدال و میانه روی و ظرفیت افراد را در نظر داشته باشند و از روش‌های مفیدی مانند: استدلال، تشویق، تحسین و... استفاده کنند و از استبداد و خشونت پرهیزند.



نمازی که ما را از گناه باز نمی‌دارد، انجام آن چه فایده‌ای دارد؟

اگرچه از شرایط قبولی نماز دوری از گناه است و انجام گناه با روح نماز سازگاری ندارد و اثر آن را کم می‌کند؛ اما اگر فرد گناه کاری که نیت خالص ندارد، نمازش را ترک کند، آیا وضع و حال بهتری پیدا خواهد کرد؟ آیا دلش صاف و روشن می‌گردد؟ بدون شک نماز در همین فرد آلوده و خطاکار به اندازه خودش دارای اثر است، به گونه‌ای که اگر این نماز ترک شود، آلودگی و گناه فرد بیشتر می‌شود؛ یعنی اثر نماز که همان نهدی از فحشا و زشتی منکرات است^۱ و لو در حد کم و ناچیز، در این فرد ظاهر می‌گردد و به اندازه خود او را از آلودگی و زشتی بیشتر باز می‌دارد. چه طور می‌توان چنین اثرات واضحی را انکار کرد؟!

۱. عنکبوت/ ۴۹.



در روایت آمده است: جوانی از انصار نمازش را با پیامبر ﷺ می‌خواند، ولی گناه و محرمات را نیز انجام می‌داد. جریان را به پیامبر ﷺ گفتند. پیامبر اعظم ﷺ فرمود: "نمازش روزی او را از بدی و زشتی باز می‌دارد". طولی نکشید که دیدند آن جوان توبه کرد و دست از کارهای بد و زشتش برداشت.^۱

بنابراین، تأثیر نماز در هر کسی، تابع میزان معرفت و شناخت، اخلاص در نیت، حضور قلب و سایر شرایط و آدابی است که رعایت می‌کند و چون این امور در افراد با هم متفاوت است، نمازهای آنها و آثار آن نمازها نیز مختلف می‌باشد؛ ولی به هر حال هیچ نمازی بدون اثر نخواهد بود، هر چند میزان آن آثار کاملاً متفاوت است.



^۱ ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۵، ص ۳۷۱، ح ۱۰۲۵۴، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.

چه کنیم تا در نماز خود شک نکنیم؟

افرادی که در نماز دچار شک و تردید می‌گردند، دو دسته‌اند:
الف) افرادی که در همه مسایل زندگی خود شک می‌کنند و شک آنها منحصر در نماز نیست؛

ب) افرادی که فقط در نماز دچار شک می‌گردند؛
افراد دسته اول باید به روانشناسان و متخصصین مربوطه مراجعه و در باب وظیفه شرعی نیز، باید به حکم "کثیر الشک؛ کسی که زیاد شک می‌کند" که تفصیل آن در رساله توضیح المسائل عملیه آمده است، عمل کنند.

ولی افراد دسته دوم برای درمان شک خود، باید چند گام به شرح زیر بردارند:
گام اول: این که انسان در نماز دچار شک می‌گردد و در بقیه مسایل زندگی خود دچار شک نمی‌شود، گاه بیانگر این نکته است که به اندازه‌ای که به مسایل روزمره خود اهمیت



می‌دهد، به نماز اهمیت نمی‌بخشد؛ لذا انسان باید در گام اول، با فلسفه، ارزش و جایگاه نماز آشنایی یابد که در کتاب‌های مختلف و آیات و روایات فراوان بدان‌ها پرداخته شده است.

گام دوم: شک در نماز از عدم حضور قلب و حواس پرتی ایجاد می‌گردد؛ لذا باید عوامل ایجاد حضور قلب را شناخت و نسبت به مراعات آن همت گمارد. بدیهی است که ذهن انسان در یک لحظه نمی‌تواند به دو مسأله فکر کند؛ لذا یا باید متوجه معانی نماز باشد یا متوجه کارهای روزمره باشد، پس باید به مفهوم و ترجمه جملات نماز هنگام بیان الفاظ توجه داشته باشد و تا معنای جملات در ذهن نیامده و ذهن متمرکز نشده، الفاظ را بیان نکند. این عمل باعث می‌شود که حواس انسان جمع جملات و رکعات نماز گردد. همچنین انتخاب مکان خلوت، نقش بسزایی در تمرکز انسان خواهد داشت.



گام سوم: باید دانست که شک و تردید از ناحیه دشمن نماز، یعنی شیطان است و او به این ترتیب می‌خواهد انسان را از نماز بازدارد؛ لذا باید از شرّ وسوسه او به خداوند پناهنده شد و با گفتن اذکاری همچون "اعوذ بالله من الشیطان الرجیم" و "لا حول ولا قوّة الا بالله العلیّ العظیم"، قبل از نماز شیطان را از خود دور نماییم.

خداوند که با همه محرم است؛ پس چرا خانم‌ها در نماز باید حجاب کامل داشته باشند؟

بی تردید، حکمت پوشش بدن و رعایت حجاب اسلامی زن در حال نماز، پنهان کردن و مستور نمودن خود از خدا نیست؛ زیرا چیزی از علم خدا پنهان نیست و خداوند بر همه چیز، در همه حالات آگاه است. لکن حکمت‌های دیگری در کار است که ممکن است موارد زیر نیز از حکمت‌های حجاب هنگام نماز باشد.

۱. رعایت ادب

از حکمت‌های این حکم، پاس داشت شرف حضور به محضر ربوبی و رعایت ادب است؛ یعنی همانگونه که رعایت پوشش زن در برابر دیگران و در محافل رسمی حتی در برابر والدین نوعی حفظ حرمت محسوب می‌شود، نماز خواندن با پوشش لازم و کامل هم نوعی حفظ حرمت به ارتباط با خداوند یا به جایگاه نماز به حساب می‌آید. این مسئله در ادیان



دیگر هم در هنگام عبادت وجود داشته و حفظ حجاب برای زنان به خصوص در وقت عبادت، دارای اهمیت ویژه بوده است.^۱ به همین دلیل است که برای مرد نیز در بر داشتن عبا و پوشاندن سر در نماز، مستحب است.

۲. باعث پیدایش حضور قلب

حکمت دیگر این است که رعایت حجاب و آداب دیگر مانند پاک بودن بدن و لباس، در تحصیل حضور قلب مؤثر است. بی شک، وجود پوششی یک پارچه برای تمام بدن و داشتن پوششی مخصوص برای نماز، توجه و حضور قلب انسان را بیشتر می کند و از التفات ذهن به تجملات و چیزهای رنگارنگ می کاهد و ارزش نماز را صد چندان می کند.

۳. توجه به ارزش و اهمیت حجاب

این حکم به زنان مسلمان می فهماند که حجاب، مطلوب خداوند است، به گونه ای که حتی در نماز از زن مسلمان خواسته با حفظ حجاب با خداوند سخن بگوید؛ چون او بنده اش را این گونه می پسندد. چه بسا این دستور تمرینی باشد برای حفظ حجاب.



۱. تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۹، ص ۴۴۲، به نقل از مجله پیام زن، ش ۲۰، ص ۸۰ - ۸۳.

فلسفه حضور در نماز جماعت چیست؟

درباره جایگاه و ارزش نماز جماعت، همین بس که رسول خدا ﷺ فرمود: "مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ". نماز کسی که صدای اذان را بشنود و بی دلیل، در نماز جماعت مسلمانان شرکت نکند، ارزشی ندارد.^۱ و می‌فرمود: صف‌های نماز جماعت، همانند صف‌های فرشتگان در آسمان چهارم است.^۲ در حدیث دیگر چنین آمده است: "هر که نماز جماعت را دوست بدارد، خدا و فرشتگان او را دوست می‌دارند".^۳ گذشته از این‌گونه روایات

۱. وسائل، ج ۵ ص ۳۷۵، کنز العمال، ج ۸ حدیث ۲۲۷۹۹.

۲. همان مدرک.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱ ص ۴۸۸.



درباره بایستگی و لزوم شرکت در نماز جماعت، برخی از فلسفه‌های شرکت در نماز جماعت را می‌توان چنین ذکر کرد:

۱. نیل به ثواب نامحدود

برخی از اعمال عبادی در دین اسلام ثواب محدود و مشخص دارد، ولی بین مسلمانان مسلم است که نماز با جماعت، از نماز فرادا برتر است و اگر تعداد نمازگزاران بیش از ده نفر شوند ثواب آن قابل شمارش و نگارش توسط مخلوقات نیست.^۱

۲. اعلام اتحاد

به طور حتم، جمع شدن یک عده در یک مکان، برای عمل واحد، نشان از اتحاد آن افراد در هدف دارد. نماز جماعت نیز از این امر جهان شمول مستثنا نیست و نماد وحدت کلمه است. همه افراد با هر اختلاف سلیقه‌ای که دارند، با این عمل وحدت کلمه خود را به جهان اعلام می‌دارند.

ویل دورانت می‌نویسد: بر هیچ انسان منصفی پوشیده نیست که شرکت مسلمانان در نمازهای جماعت روزانه، چه اثر خوبی در وحدت و تشکّل آن‌ها دارد. با کمی دقت می‌توان



۱. بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۱۴.



دریافت که در سایه همین جماعت‌ها و جمعه‌ها است که انسجام و اتحادی در افشار مختلف ایجاد می‌شود و در سایه آن، برکات و ارزش‌هایی وجود دارد. از کارهای عمرانی یک منطقه گرفته، تا راه حل سایر مشکلات افراد و جامعه.^۱

۳. آگاهی از اوضاع و مشکلات جامعه

در این اجتماع که کم هزینه‌ترین اجتماع دنیا است، آگاهی از مشکلات و نیازهای یکدیگر و زمینه‌سازی تعاون اجتماعی نهفته است که در بسیاری از موارد، در همین اجتماعات است که نیاز یک نیازمند مرتفع می‌شود.

۴. آگاهی از حال برادران دینی

اسلام عزیز، بسیار بر زیارت و دیدار مؤمنین و اطلاع از حال یکدیگر تأکید نموده است. در سیره پیامبر اعظم(ص) می‌خوانیم: "اگر یکی از یارانش را سه روز پیپی نمی‌دید، از حال وی جويا می‌شد. اگر در سفر بود، برایش دعا می‌کرد، اگر در شهر بود، به دیدارش می‌رفت



۱. تاریخ همدن، همان.



و اگر بیمار بود، از او عیادت می‌کرد^۱. بی هزینه‌ترین دیدار مؤمنین، در صفوف جماعت است که باعث آگاهی از اوضاع افراد می‌گردد.

۵. آگاهی از مسائل دینی

بسیاری از مسائل دین و احکامی که افراد فرا می‌گیرند، در اثر حضور در نماز جماعت و استفاده از برنامه‌های آموزشی قبل یا بعد از نماز جماعت است. آمار نشان می‌دهد، افرادی که اهل نماز جماعت هستند، از افراد دیگر آگاهی بیشتری نسبت به مسائل دین دارند. اسلام نیز با این عمل، با جاهل ماندن افراد مبارزه معنوی می‌کند و به علم‌افزایی پیوسته ترغیب می‌نماید.

۶. تغییر رفتار و اخلاق نامناسب

انسان‌ها از نظر رفتاری با یکدیگر متفاوتند. چه بسیارند افرادی که با دیدن یک رفتار پسندیده از یک شخص حاضر در صفوف جماعت، رفتار زشت خود را کنار گذاشته‌اند. مسلمان‌ها با این حضور معنوی در کنار یکدیگر، هر کدام خوبی‌های خود را به دیگران منتقل می‌کنند.



۱. برای اطلاع بیشتر، به کتاب سنن النبی، علامه طباطبایی مراجعه کنید.

چرا باید رو به قبله نماز خواند؟

قرآن کریم می‌فرماید: "قَوْلَ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ". پس روی کن به طرف مسجدالحرام و شما مسلمین نیز هر کجا باشید، در نماز، روی خود را به سوی آن بگردانید.^۱

با توجه به این آیات، می‌توان برداشت‌های زیر را به دست آورد:

۱. همان خدایی که فرموده است: به هر طرف رو کنید آنجا وجه خدا است "فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ"^۲ و این که او از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است "و نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْكُمْ مِنْ

۱. بقره/ آیه ۱۴۴ و آیه ۱۵۰.

۲. بقره/ ۱۱۵.



حَبْلِ الْوَرِيد^۱، همان خدا دستور داده است که به هنگام نماز به طرف مسجدالحرام نماز بخوانید "قَوْلَ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ".

۲. شَطْر به معنای سمت و جانب است. البته ایستادن دقیق در محاذات [موازات، رویارو، رو به رو] خانه کعبه و حتی مسجدالحرام برای کسانی که از دور نماز می‌خوانند، بسیار مشکل است، اما ایستادن به سمت آن برای همه آسان است. همین دستور قرآنی به نوبه خود موجب پیشرفت علوم جغرافیا، هیئت، هندسه و ریاضی در بین مسلمین گردید؛ زیرا برای قبله‌یابی و تشخیص جهت آن، نیازمند این علوم بودند.

۳. این که خدا همه جا هست و به هر طرف که رو کنی روی او و سوی او است، این نتیجه را نمی‌دهد که پس به هر طرف می‌توان نماز خواند. در همه جا بودن خداوند یک مطلب است و جهت نماز مطلب دیگر. کما این که خدا همه زبان‌ها را می‌داند؛ ولی باید نماز را به زبان عربی خواند و یا این که خدا موجودی زمانی نیست؛ ولی نماز باید در زمان خاص خودش خوانده شود. حق تعالی به علل گوناگون، دستور داده است که به طرف قبله واحد، به زبان واحد و با شرایط مشترک دیگری نماز گزارده شود و این دستور، علاوه بر پیشرفت





و پیشبرد علم و دانش بشری، مایه وحدت و هماهنگی بین مسلمانان نیز هست و تأثیرات و آموزش‌های فرهنگی دیگری نیز به دنبال دارد. از طرف دیگر، در هر یک از این دستورات، اسرار عرفانی شگرفی نهفته است که در جای خود بازگو شده است.

